

دریچه‌ای به

شعر سپید پارسی

(از آغاز تا دهه ۱۳۲۰)

کامیار عابدی

www.ketab.ir

چاه‌کتاب

سروشنامه: عابدی، کامیار، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور:

دریچه‌ای به شعر سپید پارسی (از آغاز تا دهه ۱۳۷۰) / کامیار عابدی.

مشخصات نشر:

تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۵۲ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

فروست: هزارتوی نوشتن؛ ۱۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۷-۴۸-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: شعر سپید -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع:

Blank verse -- 20th century -- History and criticism

موضوع: شاعران ایرانی -- قرن ۱۴ -- نقد و تفسیر

موضوع:

Poets, Persian -- 20th century -- Criticism and interpretation

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع:

Persian poetry -- 20th century -- History and criticism

رده‌بندی کنگره: PIR ۳۸۱۹

رده‌بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۶۴۹۲

انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری

جاهانکتاب

دریچه‌ای به شعر سپید پارسی

(از آغاز تا دهه ۱۳۷۰)

کامیار عابدی

●
چاپ اول: ۱۴۰۰

تعداد: ۴۰۰ نسخه

●
همه حقوق محفوظ است.

●
تهران. صندوق پستی ۷۷۶۵-۱۵۸۷۵

تلفن: ۹۸-۹۷-۶۶۹۶۸۰

info@jahaneketab.ir

●
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۷-۴۸-۴

●
۷۵۰۰۰ تومان

فهرست

○ پیش سخن/ ۷

- ۱. شعر سپید: تحلیل‌ها و نمونه‌ها/ ۱۱
- آینده تجدّد در شعر فارسی از نگاه شاعری سنت‌گرا در سال ۱۳۳۲/ ۱۳
- آرای قدما در زمینه وزن و قافیه در شعر/ ۱۵
- خروج از معیارهای متعارف عروض در دوره‌های متقدّم/ ۱۸
- خروج از معیارهای متعارف عروض در دوره‌های متأخر/ ۲۱
- شعر منشور ایران در پرتو شعر منشور فرانسوی/ ۲۸
- از عروض کهن به عروض نیمایی، از عروض نیمایی به عروض مُنْعَطِف/ ۳۰
- تجربه‌های منشور در شعر نیماء، و نسلی نخست شعر نیمایی/ ۳۹
- نَحْلَةُ ادبی «سخن»، و شعر منشور/ ۴۴
- احمد شاملو، و شعر منشور/ ۴۶
- شعر «منشور» یا شعر «سپید»/ ۵۱/۴
- دوره‌های شعر سپید در ایران/ ۵۶
- رنگین‌کمانی از سپیدسرایان: از شاملو تا دهه ۱۳۷۰/ ۵۸
- چند سپیدسرا به انتخاب محمدعلی سپانلو/ ۷۸
- چند سپیدسرا به انتخاب محمد مختاری/ ۸۶
- چند سپیدسرایی «موج نو، شعر دیگر، شعر حجم، موج ناب، و شعر به دقیقه اکنون»/ ۹۱
- چند سپیدسرایی ساختارگرا و ساختارگریز/ ۹۸
- چند سپیدسرا به انتخاب تورج رهنما/ ۱۰۴
- چند سپیدسرایی شعر مهاجرت/ ۱۰۶
- چند سپیدسرایی شعر مذهبی - انقلابی/ ۱۱۲
- چند سپیدسرایی منفرد/ ۱۱۴
- شعر سپید در تجربه شاعران نیمایی متأخر/ ۱۲۷

- آبشخورهای شعر سپید: نثر کهن فارسی/ ۱۳۳
- تحلیل‌ها و پیشنهادهای ملک‌الشعراء بهار، ناصرالدین صاحب‌الزمانی، رضا براهنی، و شفیعی کدکنی/ ۱۳۷
- شعر سپید، و سرودهای باستانی: اوستایی، مانوی و پهلوی/ ۱۴۳
- شعر سپید، و ترجمه عهد عتیق و عهد جدید به فارسی/ ۱۴۸
- شعر سپید ایران، و شعر فرنگی/ ۱۵۱
- چرایی نضج و رواج شعر سپید در ایران/ ۱۵۶
- برخی ویژگی‌های شعر سپید پارسی/ ۱۵۹
- فرجام سخن/ ۱۶۳

□ ۲. شعر سپید: آراء و آسناد/ ۱۶۷

- اشاره و تحلیل (۱۶۹)، «نیما یوشیج (۱۷۸)، پرویز ناتل خانلری (۱۸۰)، احسان یارشاطر (۱۸۱)، احمد شاملو (۱۸۴)، مفتون امینی (۱۸۵)، ه. ا. سایه (۱۸۶)، سیمین بهیانی (۱۸۷)، بیژن جلالی (۱۸۸)، مهدی اخوان ثالث (۱۸۹)، خسرو فرشیدورد (۱۹۱)، نادر نادرپور (۱۹۲)، ابوالحسن نجفی (۱۹۳)، عبدالعلی دستغیب (۱۹۶)، یدالله رویایی (۱۹۸)، منوچهر آتشی (۲۰۰)، م. آزاد (۲۰۲)، فروغ فروخراد (۲۰۴)، رضا براهنی (۲۰۷)، فریدون گیلانی: فغان (۲۱۲)، محمد حقوقی (۲۱۴)، اسماعیل خرمی (۲۱۵)، شفیعی کدکنی (۲۱۶)، محمدعلی سپانلو (۲۱۹)، اسماعیل نوری‌علاء (۲۲۱)، علی باباچاهی (۲۲۱)، ضیاء موحد (۲۲۲)، سیروس شمیسا (۲۲۳)، شمس لنگرودی (۲۲۴)، میرزاآقا عسکری (۲۲۶)، محمود فلکی (۲۲۸)

○ کتاب‌شناسی/ ۲۳۵

○ نمایه/ ۲۴۵

• پیش سخن

(الف) تی. اس. الیوت، شاعر و ادیب بسیار معتبر آمریکایی-انگلیسی، در سال ۱۹۲۶ در نوشته‌ای اعلام کرد که «وظیفه اساسی نقد ادبی، توضیح آثار هنری و اصلاح سلیقه‌هاست» (مرزهای نقد، ص ۱۸۸). با این همه، وی سی سال بعد تأکید ورزید که انتصاب/انتصاب چنین وظیفه‌ای به نقد ادبی، قدری بلندپروازانه محسوب می‌شود. او در این دوره، حدّ و حدود نقد ادبی را فقط «کمک به ادراک و التذاذ از ادبیات» دانست (همان، ص ۱۸۸). البته، پس از الیوت، نحله‌های گوناگونی در نقد ادبی پدید آمده و نظریه‌پردازی چند، رنگین‌کمانی از آراء را در این رشته رقم زده‌اند. اما به نظر می‌رسد هم هدف «بلندپروازانه» و هم مقصود «واقع‌بینانه»ی الیوت، هنوز هدف و مقصودی است بسیار عهده و پُراهمیت برای بسیاری از منتقدان ادبی حرفه‌ای و موسمی.

(ب) در پرتو تعریف‌های الیوت از «وظیفه نقد ادبی»، در تألیف حاضر کوشش بر آن بوده که در حدّ آگاهی، تحلیل و تحقیق مؤلف، به «ایضاح، ادراک و التذاذ» بخشی از جریان شعر نو/ مدرن ایران یاری رسانده شود. این بخش از شعر فارسی به طور طبیعی باید «شعر منشور» خوانده و نامیده شود - به معنای شعری که در شاخه‌های موسیقایی، غیرموسیقایی و کم‌موسیقایی، و نه وزن عروضی کهن یا آزاد، شکل/ فرم گرفته است. اما به جای اصطلاح «شعر منشور»، که علاوه بر خوش‌آوا نبودن، به‌صراحت، «شعر» را به «نثر» تقلیل می‌دهد (و این نکته، به ناخودآگاه، در ذهن و زبان ایرانیان نادلپذیر جلوه کرده است) نام نوظهور و

خوش‌آوتر «شعر سپید» به صورت غلط مصطلح در زبان فارسی رایج شده است. زیرا، می‌دانیم که «شعر سپید» (blank verse) در زبان‌های اروپایی به معنای شعر موزون اما بی‌قافیه است. البته، از منظر کهن یا معیار بودن زبان، سادگی یا پیچیدگی تصویر، بازنمایی مسائل سیاسی-اجتماعی یا فردیت شاعر، بازتاب عواطف انسانی و عاشقانه و غیره، گرایش‌های متنوع و مختلفی در شعر سپید یا همان شعر منثور پارسی راه یافته است.

پ) این کتاب، کتاب کاملی نیست. علاقه‌مندم بر این نکته، به‌صراحت، تأکید کنم. با این‌همه، مؤلف، در حدّ توان و کاوش خود، در بخش نخست، کوشیده است تا شماری از ریشه‌ها، جوانب، ویژگی‌ها، شاخه‌ها، گروه‌ها و تقسیم‌بندی‌های دوره‌ای یا شکلی/فرمی شعر سپید را از آغاز تا پایان دهه ۱۳۷۰ در طی حدود سی فصل بسیار فشرده، واگویی‌شناسایی و تحلیل کند. البته، صاحب این قلم، پیش از تألیف کتاب کنونی، در شماری مقاله یا کتاب عمومی و اختصاصی، و چند تک‌نگاری، در شناخت آثار پیشگامان سپیدسرایی کوشیده است. همچنین در منتخبی از شعر سپید دهه‌های ۱۳۷۰-۱۳۳۰ تا حدّ زیادی به این موضوع توجه کرده است (ر.ک: پنجاه سپیدسرا).

ت) در بخش دوم، قلم در کف شاعران و ادیبان با نگاه‌های موافق، مخالف یا بینابین به سپیدسرایی قرار گرفته است. آراء بسیار متنوعی تن از آنان در این بخش از منابع و مآخذ بسیار پراکنده تحلیل، گردآوری و تلخیص شده است. این آراء، چون نمونه‌ای است از تطور فکر ادبی شماری از ایرانیان در دوره تجدد ادبی، نوعی سند نیز محسوب می‌شود. از این رو، توجه به زمان ابراز این آراء، و کتاب‌شناسی منابع و مآخذ ضرورت دارد. در پایان، بی‌مناسبت نیست با اشاره به دو مثال شاعرانه در شناخت شعر سپید، خوانندگان را از همین «پیش‌سخن»، از آراء مخالف همدیگر در حوزه این بحث آگاه کنم. بیژن جلالی، یکی از شاعران لطیف طبع و بسیار شناخته‌شده جریان شعر منثور یا سپید، در یکی از سروده‌های خود در دهه ۱۳۷۰ با تأکید بر فردیت و «من»، چنین گفته است:

«من نثر را تبدیل به شعر می‌کنم
با تفصیلی نامرتب
که ذهن خواننده را
بیدار می‌کند
برای حسّ وجه شاعرانه نوشته
که هنجار نوشتاری آن
به هم خورده است»

(دیدارها، ص ۲۵۵، با تغییر در تقطیع سطرها)

در مقابل، در همین دهه، شفیعی کدکنی، یکی از شاعران و ادیبان توانمند و نوگرای
متماثل به مکتب سخن، در سروده‌ای اجتماعی با تأکید بر «ما»، به تعریض از شعر
سپید، این گونه یاد کرده است:
«ما شاهد سقوط حقیقت
ما شاهد تلاشی انسان
ما صاحبان واقعه بودیم
چندی به ضجر شعله کشیدیم
وینک درون خاطره دودیم
گفتند: "رو به اوج روانیم"
دیدیم سیر، سوی هبوط است
شعر سپید نیست که خوانیش
این جعبه سیاه سقوط است»

(هزاره دوم، صص ۳۴۴-۳۴۵)

کامیار عابدی شال
خرداد ۱۴۰۰